

بررسی آثار تقوا در تربیت اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه

لاکتر فاطمه دسترنج

مَکرمِ رضانی

چکیده

اسلام دینی اجتماعی است و احکام فردی آن نیز ثمره اجتماعی دارد. همان طور که اسلام فرد دین دار تربیت می کند، داشتن جامعه دیندار نیز جز اهداف اصلی این دین می باشد. که هر دوازدهگدر تربیت دینی امکان پذیر خواهد بود. جامعه ای رنگ فضیلت و سعادت را خواهد دید که سعادت فرد و جامعه در آن با هم گره خورده باشد، در منابع دینی اسلام مانند قرآن و نهج البلاغه تقوا که در رأس همه امور است و نیرویی روحانی است، مهمترین عامل دینی و ابزار دینی در تربیت فردی و اجتماعی ویژه در مصونیت روحی و اخلاقی انسان در رأس دیگر عوامل و ابزار دینی تاثیر گذار می باشد، و در روابط اجتماعی و تداوم جامعه تأثیر بسزایی دارد. در قرآن کریم و تعالیم اسلامی به مولفه های سلبی تقوا اشاره شده است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی توصیفی با استفاده از ابزار کتابخوانی، ضمن بررسی مفاهیم تربیت، اجتماع، تقوا، با اصل قرار دادن تقوا به عنوان پایه تربیت اجتماعی، آثار تقوا را در تربیت اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه مورد واکاوی قرار داده است و بیش از ده اثر تربیتی تقوا را در تربیت اجتماعی برمی شمارد.

کلیدواژه ها

، تربیت، اجتماع، تقوا، نهج البلاغه ،

^۱ استاد یار دانشگاه اراک، ramezanimaryam13@gmail.com
^۲ کارشناسی ارشد، الهیات، اراک، ramezanimaryam13@gmail.com

بیان مسئله

در دیدگاه اسلام توجه به تربیت دینی فردی و اجتماعی اصل اساسی در سعادت بشر می باشد. لذا هدف از ارسال رسول و ارسال کتب دینی از جانب خداوند به ویژه پیامبر اکرم (ص) به عنوان خاتم رسل و کتاب قرآن به عنوان آخرین و کامل ترین کتاب دینی و تربیتی به همین منظور بوده است (رستمی نسب ۱۳۸۸ به نقل از رحمنی ۱۳۹۱). که جوامع انسانی با عمل به دستورات دینی پیامبران و کتابهای ایشان به سعادت برسند. اما نا آرامی های بشری، دین زدگی در عصر ماشین و جاه طلبی انسان مدرن امروزی گواه از این دارد که بشر امروز، فهم و شناخت درستی از دین پیدا نکرده و به دستورات دینی نیز عمل نکرده است (اسماعیلی ۱۳۸۰ به نقل از ربانی ۱۳۸۷). یا شاید خود بشر خواهان عمل به دین نبوده و یا اینکه دین به درستی شناسانده نشده است. در حالیکه قرآن کریم به عنوان آخرین و کامل ترین کتاب اسمانی به عنوان یک منبع غنی تربیتی دینی و اجتماعی است، که خداوند متعال در این کتاب مقدس هدف از ارسال رسول و کتاب اسمانی قرآن را تزکیه نفوس و نجات جامعه انسانی از گمراهی و جاهلیت و رساندن به جامعه متمدن می باشد. اگر افراد جامعه خیرالبریه باشند جامعه نیز به خیرالبریه خواهد شد. از مولفه ها و معیار های متمدن بودن و خیرالبریه بودن افراد و جامعه معیار تقوا می باشد که خداوند خود می فرماید ان اکرمکم عندالله اتقاکم (سوره حجرات/ایه ۱۳) می باشد. به فرموده صاحب قرآن به نقل از امیر مومنان (ع) و تقوی رأس همه ی امور است (علیک بالتقوی فانه رأس الامور) (نهج البلاغه / حکمت ۴۱۰) و این تقواست که می تواند انسان را در مسیر رسیدن به سعادت یاریگر باشد. در کنار قرآن کریم که معیار ارزش را تقوی معرفی کرده منابع دینی دیگر نیز مانند نهج البلاغه دربر دارنده ی مضامین مهمی در حوزه های اخلاق و تربیت، اعتقادات و مذهب، سیاست و اجتماع می باشد. این کتاب با اینکه یک کتاب اخلاقی محض نیست، اما درباره تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی دستورالعمل اخلاقی دارد (شریفی، ۱۳۸۹، صص ۷۶-۷۹). نگارنده در این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش هاست که: ۱- مفهوم تربیت و تربیت اجتماعی چیست و دارای چه مصادیقی می باشد؟ ۲- چرا تقوی به عنوان ملاک و معیار تربیت فردی و اجتماعی انسان بیان شده است؟ ۳- مفهوم تقوی چیست؟ تقوا چه اثری در تربیت اجتماعی انسان دارد؟

دین اسلام برای مسئله‌ی تربیت انسان اهمیت زیادی قائل شده است. توصیه‌های امام علی (ع) در نهج‌البلاغه نیز دربر دارنده‌ی مضامین مهمی در حوزه‌های اخلاق و تربیت، اعتقادات و مذهب، سیاست و اجتماع می‌باشد. این کتاب با اینکه یک کتاب اخلاقی محض نیست، اما درباره‌ی تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی دستورات اخلاقی دارد (شریفی، ۱۳۸۹، صص ۷۶-۷۹). در عرصه‌ی جامعه نیز با توجه به اهمیت روابط اجتماعی در استحکام و دوام ساختار جامعه و ایجاد سلامت و امنیت اجتماعی باید به ارزش‌های اخلاقی جمعی مانند: صداقت، صدقه و انفاق، عدل و انصاف، عهد و پیمان، عفت و پاکدامنی، عفو و چشم‌پوشی، احسان و نیکوکاری، تواضع و فروتنی و... ابعاد، جلوه‌ها و مصادیق هر کدام و نیز آثار، نتایج و ضرورت‌های آن پرداخته شود (همان). اخلاق اجتماعی شاخه‌ای از علم اخلاق به معنای عام آن است و در آن بر ارزش‌هایی تأکید می‌شود که روابط صحیح بین آحاد مردم را تنظیم می‌کند در واقع مهم‌ترین بخش اخلاق، اخلاق اجتماعی است (همان، ص ۳). بعد از قرآن کتابی که از نکات اخلاقی و تربیتی سرشار است، کتاب شریف نهج‌البلاغه می‌باشد که با آموزه‌های حیات بخش، راه‌هدایت را به نیکی انسان‌ها نشان می‌دهد. یکی از شیوه‌های نهج‌البلاغه در دعوت انسان‌ها به ارزش‌های اخلاقی و انسانی و باز داشتن آنها از زشتی‌ها و پلیدی‌ها به تصویر کشیدن فضایل و رذایل اخلاقی در صحنه‌هایی زنده و گویاست. حضرت علی (ع) با ترسیم فضایل اخلاقی، دل‌ها را به سمت نیکی‌ها و مکارم اخلاقی می‌کشاند. از طرف دیگر به منظور زشت جلوه دادن رذایل اخلاقی در منظر انسان‌ها، آن‌ها را طوری به تصویر می‌کشد که مورد تنفر همه‌ی انسان‌هاست، تا از این راه، انسان را از انواع زشتی‌ها و پلیدی‌ها پاک کند (قاسمی، ۱۳۸۷، ص ۲۴). تعلیم و تربیت فرایندی است که از طریق آن موجبات رشد فرد و جامعه فراهم می‌شود، در نتیجه تربیت به عنوان یکی از دانش‌های حوزه علوم انسانی است، زیرا انسان بر رفتار دیگران تأثیر می‌گذارد و از دیگران هم تأثیر می‌پذیرد و بخش اعظم رفتارهایش تحت تأثیر حضور دیگران و حاصل عوامل اجتماعی است. بنابراین با توجه به اینکه انسان موجودی اجتماعی است اگر از تربیت صحیح برخوردار نباشد علاوه بر زندگی فردی، زندگی اجتماعی او نیز متاثر خواهد شد. دوام و بقاء، سعادت و شقاوت، صعود و سقوط جامعه در گرو تربیت است و در تحقق آرمان‌ها و هدف‌های اساسی هر جامعه نقش اساسی بر عهده دارد. کتاب شریف نهج‌البلاغه یکی از منابع مهم تحقیق برای اندیشمندان بوده و حاوی مضامین بسیاری در هر زمینه به ویژه اخلاق، خودسازی و تربیت است و در میان کتب معتبر دینی، با اطمینان می‌توان گفت که نهج‌البلاغه کامل‌ترین آن‌هاست و چون در میان ادیان الهی، اسلام یک دین اجتماعی است و به اجتماع اهمیت می‌دهد، در جای جای نهج‌البلاغه به این مسأله پرداخته شده و در بسیاری از موارد، جامعه و اجتماع مورد خطاب واقع شده است (جعفری، ۱۳۶۰، ص ۱۲۶).

مفهوم تربیت

تربیت از باب تفعیل است. «ربا الشیء یربوا ربواً و ربا: زادونما» تربیت از ربو، به معنای زیادت، رشد، نمو و نگهداری است (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۰۴). تربیت، دگرگون کردن گام به گام و پیوسته هر چیز است تا آن گاه که به انجामी که آن را سزد، برسد (راغب اصفهانی، مفردات، ص ۲۳۶). واژه «تربیت» گاه به معنی بسیار گسترده‌ای به کار رفته و آن را به مجموعه تأثیراتی که طبیعت یا آدمیان دیگر می‌توانند بر عقل یا اراده افراد داشته باشند، تلقی کرده‌اند. غالباً متفکران تربیتی متناسب با مکتب و نظریه‌های مورد قبول خود، تربیت را از دو جنبه فردی و اجتماعی در نظر دارند. کسانی که به جنبه‌های فردی تربیت نظر دارند آن را کوششی در جهت غنی کردن تجارب فردی انسان و شکوفایی استعدادها و رغبت‌های او معرفی می‌کنند و دیگرانی که به جنبه‌های اجتماعی تربیت توجه دارند آن را وسیله‌ای برای اجتماعی شدن انسان می‌دانند. چنانچه روشن است ویژگی مشترک تمام این تعاریف تأکید بر فرد، ویژگی‌های وی و تغییر و تعالی در او است.

تربیت در اصطلاح

«تربیت عبارت از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن» (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲۲، ص ۵۵۱). حضرت علی (ع) تربیت را نوعی شکوفا نمودن استعدادهای درونی و فطری انسان معرفی می‌کند (اناری نژاد، ۱۳۸۶، ص ۱۶۴). واژه تربیت از «ربو» و باب تفعیل است. در این ریشه معنای زیادت و فزونی اخذ شده است و در مشتقات مختلف آن می‌توان این معنی را به نوعی باز یافت؛ بنابراین واژه تربیت با توجه به ریشه آن به معنای فراهم کردن موجبات فزونی و پرورش است (باقری، ۱۳۸۴)؛ علاوه بر این، تربیت به معنای تهذیب و تزکیه نیز استعمال شده که به معنای زدودن ویژگی‌های ناپسند اخلاقی است. با این برداشت که تهذیب اخلاقی مایه فزونی مقام و منزلت معنوی است و از این حیث می‌توان تهذیب را تربیت دانست، چنانچه در قرآن کریم از تربیت و پرورش روح و روان انسان تعبیر به تزکیه شده است: "کما ارسلنا فیکم رسولا منکم یتلو علیکم آیاتنا و یتذکرکم و یعلمکم الکتاب و الحکمه و یعلمکم ما لم تکنوا تعلمون، چنانکه از میان شما پیامبری فرستادیم که آیات ما را برای شما تلاوت کند و نفوس شما را از پلیدی و آلودگی جهل و شرک پاک و منزه گرداند و به شما تعلیم حکمت و شریعت دهد و از او هر چه را نمی‌دانید بیاموزید" (بقره، آیه ۱۵۱) و این معنا را در آیات دیگری از کلام الهی نیز برداشت می‌کنیم (آل عمران، آیه ۱۶۴ و جمعه، آیه ۲). اما تربیت در اصطلاح قرآن، پرورش جسم و تن را هم شامل می‌شود. جایی که فرعون حضرت موسی (ع) را باز شناخته و وی را مورد خطاب قرار می‌دهد: "الم نربک فینا ولیدا و لبثت فینا من عمرک سنین". تو آن کودکی نیستی که ما پروریدیم و سال‌ها عمرت در نزد ما گذشت؟ (شعرا، آیه ۱۸) و در سفارش نسبت به پدر و مادر آمده است: و قل رب ارحمهما کما ربیانی صغیراً؛ و بگو پروردگارا چنانچه پدر و مادر مرا، از کودکی به مهربانی پروردند تو در حق آنها مهربانی فرما" (اسراء، آیه ۲۴). (حضرت علی (ع) نیز در ستایش انصار، آنان را پروراننده و رشد دهنده اسلام معرفی کرده، می‌فرماید: «هم والله ربو الاسلام کما یربی الفلو مع غنائهم بایدیهم السباط و السننهم السلاط. به خدا آنان اسلام را پروراندند، چنانچه کره اسب از شیر گرفته را پروراندند، با توانگری و دست‌های بخشنده و زبان‌های برنده» (نهج البلاغه، حکمت ۴۶۵) آن حضرت در بیان انگیزه و هدف و فرستاده شدن پیامبران الهی برای

مردم، تربیت را نوعی شکوفا نمودن استعدادهای درونی و فطری انسان معنا می‌کند و می‌فرماید: " خداوند پیامبران خود را مبعوث فرمود و هر چند گاه متناسب با خواسته‌های انسان‌ها، رسولان خود را پی‌درپی اعزام کرد تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنان بازجویند، و نعمت‌های فراموش شده را به یاد آورند و ابلاغ احکام الهی حجت را بر آنها تمام نمایند و توانمندی‌های پنهان شده عقل‌ها را آشکار سازند و نشانه‌های قدرت خدا را معرفی کنند" (نهج‌الباعه، خطبه). (۱) با توجه به معنا و مفهوم یاد شده در بحث تربیت انسان، واژه تربیت بر پرورش استعدادهای انسانی، یعنی فراهم کردن زمینه رشد استعدادهای آدمی دلالت دارد و در عین حال مقوله تربیت از ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای زندگی بشری است و نه تنها تربیت لازمه جدایی‌ناپذیر زندگی که متن آن بوده و بلکه زندگی، از گهواره تا گورش جلوه‌ای از آن است. انسان تنها در پرتو تربیت صحیح است که به‌عنوان موجودی هدفمند و اندیشه‌ورز به اهداف و آرمان‌های خود دست یابد و قله رفیع سعادت مطلوب خویش را فتح می‌نماید. روی کردن به تربیت صحیح، پرداختن به ضروری‌ترین امور انسان و جامعه انسانی است و رسالت همه پیام‌آوران الهی تربیت انسان‌ها بوده است و اینکه موانع تربیت فطری را از دست و پای انسان‌ها بگشایند و بستر مناسب سیر آنان به سوی کمال مطلق را فراهم نمایند. به عبارت دیگر، تربیت از منظر اسلامی دارای سیری ربوبی و جهت‌گیری الهی است و تمامی ابعاد و اقدامات تربیتی بایستی بر اساس این رویکرد مورد تبیین و تحلیل قرار گیرد.

مفهوم جامعه

برخی جامعه را مجموعه‌ای از افراد می‌دانند که روابط آنها به صورت نهادها یا مؤسسات اجتماعی ظاهر می‌شود. عده‌ای جامعه را با توجه به ساخت اجتماعی آن مثل خانواده، مدرسه، دستگاه‌های مذهبی، مؤسسات صنعتی، سیستم حکومت و سایر عواملی که در جامعه وجود دارد تعریف کرده‌اند (شریعتمداری، ۱۳۸۴، ص ۲۸). جامعه دربرگیرنده افرادی است که از طریق روابط متقابل اجتماعی به یکدیگر پیوند خورده‌اند. این مفهوم یکی از نزدیکترین مفاهیم به ذهن انسان است به طوری که نمی‌توان آن را از ذهن افراد جامعه دور کرد. انسان از لحظه‌ای که تفکر و اندیشیدن را آغاز می‌کند، راجع به موضوع‌های پیرامون خود که دربرگیرنده فرهنگ مادی و معنوی جامعه وی است به فکر و پرسش می‌پردازد. هر انسان در جامعه خود ناچار در مورد امور اجتماعی اندیشه کند و این امر از آغاز تشکیل جامعه انسانی تاکنون ادامه داشته است (بهروان، ۱۳۷۴، ص ۱۳).

مفهوم تربیت اجتماعی

انسان باید به گونه‌ای تربیت شود که بتواند با افراد اجتماع، رابطه‌ای درست داشته باشد. نگه داشتن حد و حدود، احترام به آنچه حق دیگران است، درست برخورد کردن با هم سن و سالان و... از جمله مصادیق تربیت اجتماعی است (محمودی، ۱۳۹۴، ص ۸). به عبارت دیگر تربیت اجتماعی پرورش جنبه‌هایی از شخصیت انسان است که مربوط به زندگی او در میان جامعه است. تا از این روش به بهترین شکل حقوق، وظایف و مسئولیت‌های خود را نسبت به دیگران بشناسد و آگاهانه برای عمل به آن وظایف اقدام کند (اناری نژاد، ۱۳۸۶، ص ۱۷۶).

محوریت تقوا در تربیت اجتماعی

معیار و ملاکی که دین اسلام در چارچوب نگرش خود به انسان ارائه می‌دهد، حاکی از توجه به ساختار وجودی اوست؛ ساختاری که فطرت در آن نقش اساسی ایفا می‌کند. با توجه به این معیار می‌توان اهداف تربیتی را در نظام اسلامی به سه طبقه کلی اهداف غایی (نهایی)، اهداف واسطه‌ای و اهداف جزئی تقسیم کرد. (درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی؛ اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، ص ۲۹) هدف غایی تربیت در هر مکتبی، کمال مطلوب آدمی است و باید تمام فعالیت‌های آدمی متأثر از آن باشد. هدف غایی که حقیقتی بی‌نهایت و جامع تمام ارزش‌هاست، از دید اسلام همانا خداوند تعالی است. اوست که بی‌نهایت و کامل است و می‌تواند محور تمام افعال انسان قرار گیرد. منظور از اهداف واسطه‌ای، برخی غایت‌های کلی است که برای تبدیل شدن به رفتارهای جزئی باید مشخصتر شوند این اهداف نسبت به هدف نهایی وسعت و محدوده کمتری دارند و حد وسط بین هدف نهایی و اهداف رفتاری و جزئی اند.

هدف‌های واسطه‌ای مسیر حرکت انسان را تاحدی مشخصتر می‌کنند و مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند که از به هم پیوستن آنها پیکره هدف نهایی ساخته می‌شود. (نهج البلاغه، ص ۴۰)

تقوا از خصوصیات مهم اخلاقی است که متعلق بودن حاکم به آن باعث اجرای عدالت و کمال عقول می‌گردد.

تقوا از مهمترین خصوصیات اخلاقی و فردی حضرت علی علیه السلام و از رایجترین کلمات در نهج البلاغه است. (ده گفتار، مرتضی مطهری، ص ۱۵) این کلمه از ریشه «وقی» به معنای حفظ، صیانت و نگهداری گرفته شده است تقوا یعنی خود را محفوظ نگه داشتن، و «متقین» یعنی کسانی که خود نگهدار هستند. تقوا نیرویی روحانی است که بر اثر تمرین‌های زیاد پدید می‌آید و به روح انسان شخصیت و قدرت می‌دهد و آدمی را مسلط به خویش می‌کند و آثار و نتایج مفیدی دارد. آرامش حاصل از تقوا، فرد را در برابر حوادث روزگار - چه حوادثی که اراده انسان در آنها دخالت دارد و چه حوادثی که از اختیار او خارج است - مصون می‌سازد.

تقوا شخصیت انسان را تحت سیطره قرار می‌دهد و با وصل او به قدرت لایزال الهی زمینه‌های تامین نیازها و رفع مشکلاتش را فراهم می‌کند

بررسی آثار تقوا در تربیت اجتماعی

۱- تاثیر تقوا در (روشنی بینی و بصیرت)

بدانید هر که تقوا پیشه کرده از خدا بترسد، حق تعالی راه بیرون شدن از فتنه و تباهی‌ها و روشنایی از تاریکیها (نادانی و گمراهی) را به او نشان می‌دهد (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲)

چگونه تقوا که فضیلتی اخلاقی و مربوط به طرز عمل انسان است، در عقل و فکر و قوه قضاوت انسان تاثیر دارد و منشادرک حکمت می‌گردد؟

نخست آنکه نیروی عقل انسان برای درک حقایق آماده است ولی پرده‌هایی از طمع، شهوت، خودبینی، حسد و عشقهای افراطی به مال، خانواده و جاه و مقام دیده آن را می‌پوشاند و انسان چهره حق و باطل را نمی‌تواند بنگرد؛ اما اگر با آب تقوا این غبار زدوده شود، دیدن چهره حق آسان است.

دوم آنکه هر کمالی در جهان هستی، پرتوی از کمال حق است و هر قدر انسان به خدا نزدیکتر شود، پرتو بیشتری از آن کمال مطلق در وجود او انعکاس خواهد یافت؛ لذا هر علمی از حکمت او سرچشمه می‌گیرد و هرگاه انسان در پرتو تقوا و پرهیز از گناه به او نزدیکتر شود و قطره وجود خود را به اقیانوس بیکران هستی او پیوند دهد، سهم بیشتری از حکمت الهی بر خواهد گرفت.

سوم آن که از نظر عقلی نیز پیوند میان تقوا و درک حقایق قابل فهم است؛ زیرا در جوامعی که بر محور هوا و هوس می‌گردد، تمیز حق از باطل مشکل است؛ بکارگیری نیروها و انرژیها و هدر رفتن این سرمایه‌ها در راه گناه موجب کم شدن درک مردم می‌شود، هر چند در زندگی مادی، پیشرفت کنند.

حکمت، روشن بینی و بصیرتی که در اثر تقوا پیدا می‌شود، حکمت عملی است نه حکمت نظری.

راز روشنگری عقل و روشن بینی حاصل از تقوا این است که تقوا زمینه فکر و اندیشه و تشخیص راه درست را فراهم می‌سازد.

حاکم با تقوا در سایه روشن بینی و بصیرت حاصل از تقوا، به روش صحیح و منطقی، مسائل را مورد بررسی قرار می‌دهد و به نتیجه مطلوب دست می‌یابد.

۲- تاثیر تقوا در (جلوگیری از شک و شبهه)

برعهده خویش می‌دانم که این مطالب را بگویم که خود نیز به این مطالب پایبندم. آن کس که در مقابل حوادث و پیشامدهای روزگار قرار گیرد و از آنها پند بگیرد، تقوا او را از سرنگون شدن در شبهات نگه می‌دارد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۶)

شبهه تنها از این جهت شبهه نامیده شده است که شباهتی به حق دارد و به همین دلیل سبب فریب گروهی از ساده لوحان و دستاویزی برای شیطان صفتان برای فرار از حق می‌شود. در حقیقت اموری که در زندگی فردی و اجتماعی برای انسان پیش می‌آید از سه حال خارج نیست، گاهی حقی آشکار و گاهی باطلی روشن است، گاهی نیز مطلب باطلی در لباس حق عرضه می‌شود؛ ظاهرش حق است و باطنش باطل و از همین پوشش برای فریب مردم یا استدلالهای بی اساس استفاده می‌شود.

اما افرادی که به سلاح تقوا مجهز هستند چون گرفتار هوا و هوس نیستند و عقل سلیم بر وجودشان حاکم است می‌توانند در پرتو نور آن، ظلمات شبهه را بشکافند و در مسیر هدایت گام نهند.

اگر باطل در چهره اصلی اش ظاهر شود، بر کسی مخفی نمی‌ماند و وجدانهای بیدار و طبع سلیم انسانها هرگز آن را پذیرا نمی‌شود و تنها کسانی به سراغ آن می‌روند که دلی بیمار و فکری منحرف دارند؛ اما هنگامی که باطل را در

لباس حق بیچند و آن را با حق بیارایند، کار مشکل می شود و گاه حق طلبان گرفتار این فریب و نیرنگ شده به آن روی می آورند و این یکی از انواع شبهه است. گاهی نیز مقداری از حق با باطل آمیخته گردد و چهره زشت و شوم باطل در این میان پنهان گردد.

نوع دیگر شبهه آن است که باطل را از طریق توجیهات فریبنده در نظرها حق جلوه دهند بی آن که به حق آمیخته شده باشد.

تاریخ بشر پر از مشکلات و مصایبی است که از طریق شبهات و وسوسه های شیطانی دامان انسانها را گرفته است. شیادان و فریبکاران با ایجاد شبهات، خود را بر مردم صالح ساده دل تحمیل می کنند.

جنگهای سه گانه معروفی که در بصره، صفین و نهروان رخ داد و گروه زیادی را به کام مرگ کشاند، نمونه های روشنی از سوء استفاده شیادان از شبهه برای پیشرفت مقاصدشان محسوب می شود.

امام علیه السلام در این خطبه می فرمایند با چراغ تقوا، تاریکیهای شبهات را برطرف سازید و در پناه این سنگر مطمئن از ضربات هولناک شیاطین و نفس اماره در امان بمانید.

۳- تاثیر تقوا در (دریافت عطاها و بخششهای بسیار از جانب حق تعالی)

تقوای خدا کلید هدایت و رستگاری (دنیا و آخرت) و اندوخته برای روز قیامت و سبب آزادی از هر بندگی (شهوتها و خواهشهای نفس) و رهایی از هر تباهی است، به واسطه تقوا، حاجت درخواست کننده روا می گردد و گریزان (از عذاب و سختی) رهایی می یابد و عطاها و بخششهای بسیار (از جانب حق تعالی دریافت می شود). (همان منبع، خطبه ۲۲۱)

ذات اقدس خداوند، ایمان و تقوا را نخستین سبب روزیهای زمینی و آسمانی معرفی می کند: و چنانچه مردم شهر و دیار همه ایمان می آوردند و با تقوا می شدند، همانا ما درهای برکات آسمان و زمین را بر روی آنها می گشودیم (اعراف/۹۶)

هرکس که از محرّمات الهی به خاطر خدا و ترس از او بپرهیزد، خدای متعال او را از تنگنای وهم و زندان شرک نجات می دهد و رزق مادی و معنوی را فراهم می کند و آنچه را که امیدوار بود به وسیله سعی و کوشش خود به دست آورد، خدای تعالی برایش فراهم می کند؛ زیرا او به خدا توکل کرده است و کسی که بر خدا توکل کند، خداوند کفیل او می شود.

۴- تاثیر تقوا در (غلبه بر سختی های دنیا و آخرت)

هرکه تقوا پیشه کند، سختیها بعد از نزدیک شدن و رو آوردن به او، از او دور و کارهایش از تلخی برای او شیرین و موجها (فتنه و تباهاکاریها) پس از پی در پی رسیدن بر او برطرف می شوند. دشواریها پس از رنج دادن، برای او آسان و کرامت و لطف (خداوند متعال) بعد از نایابی برای او بسیار و رحمت و مهربانی پس از دور شدن، به او بازگشت می کنند و نعمتها پس از کم شدن بر او فراوان می گردند و برکت مانند باران بزرگ قطره پس از اندک باریدن به او برسد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹)

هرکس تقوای الهی را پیشه کند، خدای تعالی برایش راه نجاتی از تنگنای مشکلات زندگی فراهم می کند. انسان متقی از سوی خدا به نیروی دفاعی خاصی مجهز می شود که هم از جنبه درونی - در مواجهه با صفات نفسانی - و هم از جنبه بیرونی - در مواجهه با حوادث گوناگون - قدرت فائق آمدن بر مشکلات را به او می دهد.

انسان متقی در کوران حوادث و امواج کوبنده یاس و ناامیدی با تمسک به ریسمان الهی خود را نجات می دهد و چون از انوار الهی بهره می گیرد از فیوضات الهی برخوردار شده، معضلات و مشکلات پیش آمده را از سر راه خود برمی دارد.

۵- تاثیر تقوا در (رفع سختی ها و مشکلات)

سختیها دو نوع است: سختیهایی که اراده و اختیار انسان هیچ گونه دخالتی در آنها ندارد، مانند طوفانی شدن دریا و غرق شدن کشتی، و نوع دیگر گرفتاریهایی است که اراده و اختیار انسان در آنها دخالت دارد؛ مانند گرفتاریهای اخلاقی و اجتماعی؛ تقوا تاثیر بسیاری در رفع گرفتاریهای نوع دوم دارد؛ زیرا گرفتاریها و سختیها در تاریکی پیدا می شود؛ آنگاه نور تقوا در ظلمت معاصی پدیدار گردد، راه از چاه تمیز داده می شود؛ همچنین تقوا سبب می شود که انسان نیروهای ذخیره وجود خود را در راههای لغو و لهو و حرام هدر ندهد و همیشه نیروی ذخیره داشته باشد. بدیهی است که انسان نیرومند و با اراده بهتر تصمیم می گیرد و راحت تر می تواند خود را از بند گرفتاریها نجات دهد (ده گفتار، مرتضی مطهری، ص ۶۰)

فالمتمقون فیها هم اهل الفضائل: ... فی الزلازل وقور، و فی المکاره صبور، و فی الرخاء شکور، لا یحیف علی من یبغض (نهج البلاغه، خطبه) ۱۸۴

پرهیزکاران در دنیا دارای فضیلتها هستند: ... در سختیها باوقار و بردبار، و در ناگواریها شکیبا و در خوشی و آسایش سپاسگزارند، کسی را که دشمن دارند بر او ستم نمایند.

صبر و حلم یکی از مهمترین نتایج تقواست. انسان متقی می تواند عواقب امور را با بینشی الهی مورد تحلیل قرار داده، راه درست را از راه باطل تشخیص دهد و در مقام عمل به دلیل داشتن قدرت ایمانی و اعتقادی با تمام مشقات و نابسامانیهای درونی و بیرونی مواجه و به هدف خود نایل شود. صبر و خویشتنداری در برابر حوادث گوناگون ارزش تربیتی زیادی دارد و برای کمال و رشد جسمی و روانی انسان مفید و ضروری است. جایگاه صبر در تربیت اسلامی و نسبت آن به این همانند نسبت بدن به سر است؛ همان طور که بدن بدون سر، ارزش و فایده ای ندارد؛ ایمان بدون صبر نیز ارزش ندارد؛ وقتی ایمان کامل است که همراه آن صبر و خویشتنداری در همه حالات و رفتار و کردار باشد.

۶- تاثیر تقوا در (مصونیت از گناه)

بندگان خدا بدانید، تقوا سرای حصار و دار ارجمندی است، و گناه، سرای حصار و دار خواری که ساکن خود را (از بلا و سختی) نگاه نمی دارد، و هر که به آن پناه برد، حفظ نمی کند. آگاه باشید به سبب تقوا، نیش و هر دار گناهان دور می شود و به یقین و باور پایان بلند مرتبه به دست می آید. (همان منبع، خطبه ۱۵۶)

یکی دیگر از آثار بارز تقوا حفظ خود از معاصی است: اگر چه روشن بینی حاصل از این صفت الهی، انسان را نسبت به ضلالت و گمراهی آگاه می‌سازد، اما نقش تقوا صرفاً آگاهی دادن نیست و فراتر از علم و آگاهی، گرایش عملی نیز مدنظر است. منظور نخست از این اثر تربیتی نقش فعال تقوا در حیات انسانی است.

در بینش اسلامی، انسان متقی تمایل درونی و باطنی به خدا دارد و نیرویی، حرکت او را به سوی خدا تنظیم می‌کند و از انحراف در مسیر زندگی نجات می‌دهد.

۷- تاثیر تقوا (زره محکم و سپر مطمئن)

بندگان خدا شما را به تقوا سفارش می‌کنم؛ زیرا تقوا حق خدا بر شماست. و حق شما را بر خدا لازم و برقرار می‌نماید، و شما را سفارش می‌کنم به اینکه از خدا برای تقوا کمک بطلبید و از تقوا برای (قرب به) خدا همراهی درخواست نمایی؛ زیرا تقوا، امروز (دنیا) پناه و (در برابر سختیها و گرفتاریها) سپر است و فردا (قیامت) راه بهشت است؛ راه آن آشکار، و رونده در آن سود برنده، و امانتدار آن (خداوند) حافظ و نگهدار است. (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۲)

۸- تاثیر تقوا (پناهگاه استوار و دستگیره محکم)

پس به تقوا دست اندازید؛ زیرا تقوا ریسمانی محکم و پناهگاهی استوار است (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۲)

توجه امام در این کلام به جنبه روانی و معنوی تقوا و آثاری که بر روح می‌گذارد معطوف است؛ به طوری که احساس میل به پاکی و نیکوکاری و احساس تنفر از گناه و پلیدی را در فرد به وجود می‌آورد.

۹- تاثیر تقوا در (حرص در علم)

از نشانه‌های انسان متقی آن است که در امر دین تواناست، و در نرمی و خوشخویی دوراندیش و در ایمان با یقین و در (طلب) علم حریص و در بردباری دانا است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۴)

دین اسلام انسان را به کسب علم توصیه کرده است. اسلام علم را نور و بینایی و جهل را ظلمت و کوری می‌داند. فرد متقی نیز به دلیل آنکه دارای روشن بینی و بصیرت است به همین خاطر به دنبال نور و روشنایی خواهد رفت و در راه کسب آن حریص خواهد بود.

۱۰- تاثیر تقوا در (میانه نگه داشتن در توانگری)

از نشانه‌های یک فرد متقی این است که در توانگری میانه رو (اسراف نکرده، دارایی خود را بی جا صرف نمی‌کند) و در بندگی و عبادت فروتن است و در فقر و نیاز مندی آراسته جلوه می‌کند. (همان منبع)

هر حرکت و فعل تربیتی باید بر اعتدال استوار باشد و از حد وسط بیرون نرود و به افراط و تفریط کشیده نشود تا حرکت و فعلی مطلوب باشد. آیین تربیتی دین اسلام به اعتدال در هر امری فرامی‌خواند و مجموعه قوانین و مقررات و آداب دینی به گونه‌ای است که مردم، متعادل تربیت شوند. خداوند اموال و داراییها را وسیله‌ای برای برپایی امور انسانها و بستری مناسب برای حرکت متعادل و رشد آنان قرار داده است.

فزون خواهی و تکاثرطلبی، فرد و جامعه را به سوی تباهی می‌کشاند. امیر مؤمنان علی علیه السلام در نامه ای که به کارگزار آذربایجان می‌نویسد، چنین می‌فرماید: «مبادا بینداری که حکومتی که به تو سپرده شده است شکاری است که به چنگت افتاده است! خیر! امانتی است در گردن تو (که بایستی آن را مواظبت نمود، در راه آن قدمی بر خلاف دستور دین برداری) و خواسته اند که تو نهبان باشی، برای کسی که از تو بالاتر است، تو را نمی‌رسد که در کار رعیت به میل خود رفتار کنی. (نهج‌البلاغه، نامه ۵)

در نامه ای که آن حضرت به سران لشگرهایش نوشته است، چنین می‌فرمایند: «لازم است والی را که هرگاه امتیازی کسب می‌کند و به افتخاری نائل می‌شود آن فضیلتها و موهبتها او را عوض نکند، رفتار او را با رعیت تغییر ندهد بلکه باید نعمتها و موهبتهای خدا بر او، او را به بندگان خدا نزدیکتر و مهربانتر گرداند. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۰)

علی علیه السلام در دوره خلافت و حکومت خویش، بیش از هر وقت دیگر زاهدانه زندگی می‌کردند و می‌فرمودند: «خدای تعالی به پیشوایان حق واجب گردانیده که خود را با مردم تنگدست برابر نهند تا اینکه فقیر و تنگدست را پریشانش فشار نیاورده، نگران نسازد. (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۰)

و همچنین در نامه ای به حاکم بصره می‌فرمایند: «آیا قناعت می‌کنم که به من بگویند زمامدار و سردار مؤمنان در حالی که به سختیهای روزگار با آنان همدرد نبود یا در تلخکامی جلویشان نباشم؟ (نهج‌البلاغه، نامه ۴۵)

و در ادامه همان نامه می‌فرمایند: «ولی چگونه ممکن است هوای نفس بر من غلبه کند و مرا به سوی انتخاب بهترین خوراکیها بکشاند، در صورتی که شاید در حجاز یا یمامه افرادی یافت شوند که امید همین یک قرص نان را هم ندارند و دیر زمانی است که شکمشان سیر نشده است. آیا سزاوار است شب را با سیری صبح کنم در صورتی که در اطرافم شکمهای گرسنه و جگرهای گرم (تشنه) قرار دارد؟ (نهج‌البلاغه، نامه ۴۵)

۱۱- تاثیر تقوا در (بهداشت جسمی و روانی)

همانا تقوای خدا داروی درد قلبها و روشنی بخش کوری دلها و بهبودی بیماری تنها و اصلاح فساد سینه‌ها و پاکیزگی آلودگی نفسها و روشنی پوشش دیده‌ها و ایمنی ترس دل و نور سیاهی تاریکی (نادانی) شماسست. (همان منبع، خطبه ۱۸۹)

انسان با تقوا که به حد و حق خود قانع و راضی است روحی مطمئنتر و اعصابی آرامتر و قلبی سالمتر دارد. دائما در فکر این نیست که کجا را ببلعد، ناراحتیهای عصبی او را به زخم روده و معده مبتلا نمی‌سازد، افراط در شهوت او را ضعیف و ناتوان نمی‌کند و عمرش طولانیتر می‌شود.

۱۲- تاثیر تقوا در (پرهیز از طمع)

از نشانه‌های متقین آن است که می‌بینی در سختی شکیبا و حلال را جويا و در هدایت و رستگاری دلشاد و از طمع و آز دور هستند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۴)

امیر مؤمنان علی علیه السلام در مورد بیت المال مسلمانان دقت بسیار مبذول می کردند و چون مالی می رسید، آن را تقسیم می کردند و چیزی در بیت المال باقی نمی ماند، فقط در مواردی که فرصت نبود تقسیم را به روز بعد موکول می کردند. ایشان هیچ گاه چیزی از غنائم را برای خود انتخاب نمی کردند و برای دوستان و خویشان خود تبعیض قائل نمی شدند. و در وصیت به امام حسن علیه السلام می فرمایند: «و بر حذر باش از اینکه شترهای طمع و آز تو را به تندی به آبشخورهای تباهی ببرند (بر اثر طمع به دنیا و کالای آن، مرتکب حرام مشو که به عذاب الهی گرفتار خواهی شد) نهج البلاغه، نامه ۳۱»

۱۳- تاثیر تقوا در (عمل کردن به نیکی و مداومت بر انجام آن)
از نشانه های متقین این است که مردم به نیکویی او چشم داشته و از بدیش آسوده اند، کار نکوهیده از او دیده نشده کار پسندیده اش هویداست، نیکویی به او روی آورده و بدی به او پشت کرده است (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۴)

علی علیه السلام در طلوعه حکومت بر حق خود به اصلاح اجتماع قیام کرد و در این باره چنین فرمود: «سوگند به کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله را به حق فرستاد، هر آینه در هم آمیخته و غربال شوید و جدا گردیده و بر هم زده شوید؛ مانند بر هم زدن کفگیر آنچه را که در دیگ طعام است تا اینکه پست ترین شما به مقام بلندترین شما و بلندترین شما به مقام پست ترین شما برگردد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۶)

حضرت با چنین بینشی شروع به اصلاحات اداری و اجتماعی کرد. وی استانداران و فرماندارانی را که نسبت به مردم ستم کرده بودند از کار برکنار کرد. افرادی که در زمان عثمان، درآمد ملت را چپاول و ثروت مردم را ذخیره می کردند در حکومت علی علیه السلام تحت تعقیب قرار گرفتند.

علی علیه السلام به دنبال آن بود که عدالت را در میان اجتماع توسعه دهد و ستمگری را از میان بردارد و حکومتی ایجاد کند که بر اصول صحیح اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی استوار گردد.

۱۴- تاثیر تقوا در (ایجاد خیر و نیکی)
دنیا و آنچه در آن است می فریبد، فانی است و هر که در آن است نابود می شود، خیر و نیکویی در هیچ یک از توشه های آن نیست مگر در تقوا (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰)

براستی که برای حرکت در مسیر زندگی دنیوی، هیچ ره توشه ای نیکوتر از تقوا نیست. امیر مؤمنان علیه السلام با تمام وجود این حقیقت را دریافته بود و این چنین بود که توانست با یاری این توشه که جز خیر و نیکی ثمری ندارد، حکومت عدل را در دوران خلافت خویش برقرار سازد.

۱۵- تاثیر تقوا در (برترین توشه)
امام علی علیه السلام پس از بازگشت از جنگ صفین، به گورستان کوفه رسید، روبه قبرها کرد و پس از توصیف دنیا سؤال فرمود: پس خبر آنچه نزد شماست چیست؟ پس از آن به سوی یارانش نظر افکنده فرمود: بدانید اگر

ایشان را در سخن اجازه و فرمان بود به شما خبر می دادند که بهترین توشه (در این راه) تقواست. (نهج البلاغه، کلام قصار ۱۲۵).

۱۶- تاثیر تقوا در (سبقت در انجام کار نیکو و رستگاری کردار) کسی که تقوا را اشعار قلبش قرار دهد، در خیر و نیکویی از دیگری پیشی گیرد و رستگار گردد، غنیمت دانید بهره‌های تقوا را. (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۲)

۱۷- تاثیر تقوا در (استواری در برابر لغزشها) همت و اندیشه من در این است که نفس خود را با تقوا تربیت و خوار گردانم تا در روزی که ترس و بیم آن بسیار است (قیامت) آسوده باشد، و در لبه لغزشگاه استوار ماند. (نهج البلاغه، نامه ۴۵)

۱۸- تاثیر تقوا در (قوت در دین، خوشخویی و نرمی) از نشانه‌های پرهیزگاران آن است که تو می بینی در امر دین توانا و در نرمی و خوشخویی دور اندیش و در ایمان با یقین هستند. خداوند در نظر آنان بزرگ، و غیر او - هرچه هست - در دیده آنها کوچک است. یقین و باورشان به بهشت مانند یقین و باور کسی است که آن را دیده و ایمانشان به آتش همچون ایمان کسی است که آن را دیده که اهل آن در آن گرفتار عذابند. (خطبه ۱۸۴)

یکی از خصوصیات مهم یک زمامدار مسلمان این است که فهم صحیح دینی داشته باشد تا بتواند دستورات و فرامین دینی را در جنبه‌های مختلف آن به نحو صحیح و شایسته در جامعه برپا سازد و علاقه و دل‌بستگی مردم را به دین روزبه روز بیشتر کند؛ البته این مهم زمانی امکان پذیر خواهد بود که زمامدار بتواند با بیان نرم، رشته محبت بین خود و مردم را محکم گرداند که در این صورت مردم به او امیدوار می‌شوند و در سایه حکومتش، عدالت برقرار خواهد گشت.

۱۹- تاثیر تقوا در (بازداشتن از کار حرام) (خودسازی) بندگان خدا! تقوا، دوستان خدا را از ارتکاب حرام باز می‌دارد و خوف و ترس - از عذاب - در دل‌هایشان قرار می‌دهد، به طوری که آنان را شبها - برای نماز - بیدار و در شدت گرمی روزها (برای روزه) تشنه نگاه می‌دارد؛ پس آسایش - آخرت - را به رنج - دنیا - و سیرابی - آن روز - را به تشنگی - امروز تبدیل نمودند و مرگ را نزدیک دانسته به انجام عمل نیکو شتافتند و آرزو را دروغ پنداشته به سر رسیدن عمر را در نظر گرفتند. (نهج البلاغه، کلام قصار ۳۸۱)

نتیجه گیری

- ۱- با توجه به معانی تربیت که در دومعنا۱- فراهم کردن موجبات فزونی پرورش ۲- تهذیب و تزکیه استعمال شده است، با فراهم شدن این دوزمینه انسان میتواند در ابعاد فردی و اجتماعی موجبات سعادت و فزونی مقام و منزلت معنوی خود را فراهم نموده و در پرتو آن به سعادت مندی برسد. به این صورت که در پرتو پرورش و تهذیب و تزکیه به بهترین شکل حقوق و وظایف خود را نسبت به خود و دیگران می شناسد و از چارچوب های مشخص شده فردی و اجتماعی تجاوز نمی کند. که حکمت ۴۶۵ نهج البلاغه شاهد و گواه این ادعاست.
- ۲- فطرت انسان معیاری بر اهداف تربیتی: (جزئی، واسطه ای و غایی) است و هدف غایی تربیت در هر مکتبی، کمال مطلوب آدمی است و برای رسیدن به این کمال مطلوب معیار افعال انسان باید خداوند متعال باشد که طبق آموزه های قرآنی و منابع دینی تقوا در رأس همه امور و افعال فردی و اجتماعی انسانی قرار دارد تا انسان را به کمال مطلوب برساند.
- ۳- با توجه به آثار مترتب بر تقوی که در دیدگاه امیر المؤمنین (ع) در کتاب نهج البلاغه مورد واکاوی قرار گرفت، تقوی در تمام شؤون زندگی اجتماعی انسان تاثیر گذار است که نتیجه آن رسیدن به ساحل آرامش دنیوی و معنوی است، آرامش حاصل از تقوا، فرد را در برابر حوادث روزگار - چه حوادثی که اراده انسان در آنها دخالت دارد و چه حوادثی که از اختیار او خارج است - مصون می سازد. تقوا شخصیت انسان را تحت سیطره قرار می دهد و با وصل او به قدرت لایزال الهی زمینه های تامین نیازها و رفع مشکلاتش را فراهم می کند.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم؛ ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: موسسه مطبوعاتی خزر، ۱۳۷۰.
۲. نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، ۱۳۵۱
۳. نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر مؤمنان (ع)، ۱۳۸۴.
۴. افخمی‌اردکانی، محمد علی؛ تبیین مبانی، اصول و روش‌های تربیت اجتماعی در نهج البلاغه. دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۴.
۵. امید بیگی، عزت؛ تربیت اجتماعی از دیدگاه امام علی(ع). دانشگاه آزاد تهران واحد مرکز، ۱۳۸۱.
۶. اولریچ دیو؛ رهبری منابع انسانی، ترجمه دکتر بهروز قلیچ لی، تهران، سرآمد، ۱۳۸۱.
۷. باقری، خسرو؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: مدرسه، ۱۳۸۴.
۸. باقری، خسرو؛ سجاده، نرگس؛ عاملیت آدمی از دیدگاه ریچارد رورتی و پیامدهای آن در تربیت اجتماعی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۳، سال چهارم، ۱۰-۲۰، ۱۳۸۴.
۹. خوانساری، جمال‌الدین، شرح غررالحکم، تصحیح محدث ارموی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۱۰. حسنی، محمد ابراهیم؛ روش‌های تربیت اسلامی در پرتو قرآن و نهج البلاغه، مجله کوثر، ش ۷۵، ۱۳۸۷.
۱۱. دلشاد تهرانی، مصطفی؛ ماه مهرپرور: تربیت در نهج البلاغه، تهران: خانه اندیشه جوان، ۱۳۷۸.
۱۲. دلشاد تهرانی، مصطفی؛ منظر مهر، مبانی تربیت در نهج البلاغه، تهران: دریا، ۱۳۷۹.
۱۳. رازی، نجم‌الدین؛ مرصاد العباد، به اهتمام محمد امین ریاحی، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲.
۱۴. رضائی، فاطمه، حیدری، مسعود؛ روش‌های تربیت اجتماعی کودک بر اساس قرآن و نهج البلاغه. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال نهم، دوره دوم، شماره ۱: ۱۹-۶، ۱۳۹۱.
۱۵. شکوهی، غلامحسین‌تعلیم و تربیت و مراحل آن. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱.
۱۶. شعبه الحرائی، ابومحمد حسن بن علی بن حسین؛ تحف العقول، تهران: انتشارات علمیه اسلامی، ۱۳۵۴.
۱۷. مرزوقی، رحمت‌الله، اناری نژاد، عباس؛ تربیت اجتماعی از منظر نهج البلاغه. تربیت اسلامی، سال دوم شماره ۴: ۱۶۳-۱۹۲، ۱۳۸۶.
۱۸. فارابی، ابونصر محمد بن محمد؛ احصاء العلوم، ترجمه حسین خدیو جم، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۴.
۱۹. قراملکی، فرامرز؛ پرده پندار، تهران، آفتاب توسعه، ۱۳۸۱.
۲۰. کاردان، علیمحمد؛ سیر آراء تربیتی در غرب. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
۲۱. کریمی، عبدالعظیم؛ آسیب‌شناسی تربیت اجتماعی، تهران: انتشارات عابد، ۱۳۸۵.
۲۲. کلینی؛ کافی، ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۲۳. محمدی، مهتری؛ بررسی تربیت اجتماعی از دیدگاه امام علی. دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵.
۲۴. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: صدر، ۱۳۷۹.
۲۵. معتمدی برآبادی، حوا؛ بررسی و شناخت نظام تربیت اجتماعی در قرآن، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۵.
۲۶. مولوی، جلال‌الدین؛ مثنوی، به کوشش محمدرضا برزگر خالقی، تهران، زوار، ۱۳۸۰.
۲۷. مهرمحمدی، محمود، برنامه درسی؛ نظرها، رویکردها و چشم‌اندازها، مشهد، به نشر، ۱۳۸۳.
۲۸. مهرمحمدی، محمود؛ بازشناسی و ارزیابی نظریه‌های ناظر به آموزش مؤثر ارزش‌ها با تأکید بر سنین کودکی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۸.
۲۹. غروی‌ان، محسن (۱۳۷۹) فلسفه اخلاق، چاپ دوم، قم، نشر پیک حلال
۳۰. ربانی، علی، (۱۳۷۸) کنکاشی در عناصر شهراسلامی در مجموعه مقالات نخستین همایش ارمان شهر اسلامی، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان
۳۱. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۷۱) قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه
۳۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۷) تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، نشر صدرا
۳۳. رستمی نسب، عباسعلی (۱۳۸۸) بررسی گسترده معرفت‌شناسی انسان از دیدگاه فلاسفه مکتب ایدئالیسم و استلزامات تربیتی آن، نشر به پژوهش‌های اسلامی، ش ۳۶
۳۴. رحمنی، فرشته، (۱۳۹۱) آثار تربیتی و روانی نماز، فصلنامه به روز، سال دوازدهم، ش ۱ (پیاپی ۴۶)

